

مطالعه تطبیقی التزام به اعمال یک جانبه در نظام‌های حقوقی اصلی جهان

سیامک کریمی^۱

چکیده:

منابع حقوق، مفهومی است که به واسطه آن می‌توان قواعد التزام‌آور حقوقی را شناسایی کرد. اگر در حوزه حقوق بین‌الملل معاهدات، عرف و اصول کلی حقوق و در حقوق داخلی قانون و عرف را کنار بگذاریم، بقیه آن چه که به عنوان منابع حقوق معرفی می‌شوند، محل اختلاف هستند. یکی از این موارد اختلافی، اعمال یک جانبه است. این دسته از اعمال تا مدت‌ها به دلیل حکومت الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف واجد آثار حقوقی نبود و به این ترتیب قصد یکطرفی برای ایجاد تعهد مورد شناسایی قرار نمی‌گرفت. اما تطورات در نظام‌های حقوقی اصلی جهان نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های قابل توجه، آثار حقوقی این دسته از اعمال یک جانبه مورد شناسایی قرار گرفته است و به این ترتیب می‌توان از آن‌ها به عنوان منبع حقوق در نظام‌های مختلف حقوقی جهان یاد کرد.

کلیدواژه: قواعد التزام‌آور حقوقی، حقوق بین‌الملل، نظام‌های حقوقی، منابع حقوق

هرگاه سخن از منابع حقوق می‌شود، عملاً با این موضوع حیاتی روبه‌رو هستیم که چه کسی و چگونه حقوق را می‌سازد. هر چند به درستی گفته شده است که مباحث مربوط به منابع حقوق در قیاس با مبانی آن، «چهره فلسفی کم‌رنگ‌تری دارد»^۱ اما حقیقتاً برای پاسخ به سوالات مربوط به منابع حقوق به ناچار باید تا اندازه‌ای به حوزه‌های ارزشی و هنجاری حقوق نیز توجه داشت. کارکرد منابع حقوق، تدارک قواعدی است که یک نظام حقوقی را ایجاد می‌کند. در واقع، مسئله منابع حقوق در کانون هر نظام حقوقی قرار دارد و دقیقاً با انسجام نظام حقوقی مورد نظر پیوند دارد چرا که در غیاب مفهوم منابع، حقوق به مجموعه‌ای از قواعد اتفاقی تبدیل می‌شود که هیچ انسجامی میان آن‌ها برقرار نیست و نمی‌توان معیاری برای تشخیص قواعد الزام‌آور از غیر آن‌ها در دست داشت. در نتیجه در چنین شرایطی تمایز حقوق با فلسفه، اخلاق و مذهب از میان می‌رود چرا که اساساً معیاری در دست نیست که قواعد الزام‌آور را که صرفاً در حوزه حقوق وجود دارد، از سایر قواعد موجود در دیگر نظام‌های کنترل رفتار اجتماعی تشخیص داد. این موضوع به خوبی نشان می‌دهد که چرا در هر نظام حقوقی به ویژه در بحث منابع حقوق، آن چه که هربرت هارت^۲، حقوق‌دان آمریکایی، از آن به عنوان «قواعد شناسایی»^۳ و هانس کلسن، حقوق‌دان مشهور اتریشی از آن به «قاعده مبانی»^۴ یاد می‌کنند، اهمیت دارد. هر دو این دو مفهوم، مفاهیمی هستند که به واسطه آن‌ها می‌توان منابع حقوق را بازشناسی کرد.

۱. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۳، ص ۱.

۲. Herbert Hart.

۳. Rules of Recognition:

هارت میان قواعد حقوقی قائل به تفکیک بود و آن‌ها را به دو دسته قواعد اولیه و ثانویه تقسیم می‌کرد. قواعد اولیه همان قواعدی هستند که باید و نبایدهای رفتاری مخاطبان قانون را مشخص می‌کنند. اما قواعد ثانویه قواعدی هستند که به مدد آن‌ها می‌توان قواعد اولیه را یافت، در صورت امکان اصلاح کرد و چنانچه مورد نقض قرار گرفته‌اند، این موارد را کشف و مورد برخورد قرار داد. یکی از قواعد ثانویه، قواعد شناسایی هستند. از منظر هارت، قواعد شناسایی این کارکرد را دارند که به واسطه آن‌ها می‌توان به وجود و اعتبار قواعد اولیه پی برد. در واقع، قواعد ثانویه، مرجعی برای اطمینان از اعتبار قواعد اولیه هستند. قاعده شناسایی وجه یا وجوه خاصی را مشخص می‌کند که اگر یک قاعده اولیه، آن را داشته باشد، نشانه‌ای است از وجود و اعتبار چنین قاعده‌ای.

۴. هارت، هربرت، مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران، نی، ۱۳۹۳، صص ۱۶۱-۱۶۲.

۵. Grundnorm.

۶. کلسن، هانس، نظریه محض حقوق و دولت، ترجمه محمد حسین تمدن جمهوری، تهران، سمت، ۱۳۹۴، صص ۱۷۱-۱۷۲.

به طور کلی می‌توان گفت منابع حقوق همه آن عوامل و رویدادهایی هستند که روش‌هایی برای ایجاد، اصلاح و نسخ هنجاری قانونی ارائه می‌کنند. منابع همچون ظرفی می‌مانند که حاوی قواعد الزام‌آور یا منع‌کننده رفتار تابعان حقوق در یک نظام مشخص حقوقی هستند.^۱ اگرچه این تعریف می‌تواند تا اندازه زیادی مرزهای مفهوم منابع حقوق را مشخص کند اما باید گفت حقیقتاً درباره مصادیق این مفهوم اختلاف‌های قابل توجهی هم در نظام حقوق بین‌المللی و هم در نظام حقوق داخلی وجود دارد.

در حقوق بین‌الملل محل اختلاف نیست که معاهدات دو یا چند جانبه بین‌المللی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوق به عنوان منابع اصلی حقوق شناخته می‌شوند^۲ در حقوق داخلی نیز «قانون» منبع خلل‌ناپذیر شناخته می‌شود.^۳ اما چه در حقوق بین‌الملل و چه در حقوق داخلی درباره برخی دیگر از منابع از جمله رویه قضایی، دکترین، انصاف، اعمال گروه‌های صنفی و... اختلاف وجود دارد. یکی از این موارد اختلاف «اعمال یک جانبه» است. همان‌طور که از عنوان این مفهوم برمی‌آید، تنها یک طرف در پدیداری آثار حقوقی ناشی از این دسته از اعمال نقش بازی می‌کند. همین موضوع، باعث شده تا تردیدها و چالش‌هایی در برابر جایگاه این مفهوم در نظام‌های حقوقی پدید آید. از آنجا که حقوق به مثابه پدیده‌های اجتماعی، برای انتظام روابط میان افراد (حقیقی یا حقوقی) جامعه پدید آمده است و به ذات خود باید به واسطه مشارکت همین افراد شکل بگیرد در نتیجه چنین پنداشته می‌شود که اثر حقوقی صرفاً به واسطه حضور دو یا چند تابع حقوق می‌تواند شکل بگیرد و در نتیجه اراده یک جانبه به تنهایی فاقد صلاحیت اثرگذاری حقوقی است.

از این موضوع می‌توان به «الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف» یاد کرد که در یک کلام، مفید آن است که آثار حقوقی - خواه حق یا تکلیف - نمی‌تواند به اتکای اراده یک جانبه یکی از تابعان حقوق پدید آید. در مقابل این دیدگاه وجود دارد که اگر جمع اراده‌های تابعان حقوقی می‌تواند موجب آثار حقوقی باشد، اراده یک جانبه نیز از حیث اصولی نقصی در این زمینه ندارد. هر دو این دیدگاه‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف انعکاس پیدا کرده است. این مقاله به بررسی همین موضوع اختصاص دارد و تلاش می‌کند تا مشخص سازد که اعمال یک جانبه واجد چه جایگاهی در نظام‌های حقوقی اصلی است.

۱. Besson, Samantha, *Theorising the Sources of International Law*, in Besson, Samantha & John, Tasioulas *The Philosophy of International Law*, Oxford, Oxford University Press, ۲۰۱۰, p. ۱۶۹.

۲. بنگرید به ماده ۳۸ اسلنامه دیولن بین‌المللی دادگستری.

۳. کاتوزیان، ناصر، پیشین، صص ۶ و ۷.

در واقع سؤال اصلی را که این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به آن است، می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: آیا اعمال یک جانبه در نظام‌های حقوقی اصلی به عنوان منبع حقوق شناخته می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش، این مقاله در دو بخش تهیه شده است. در بخش نخست و به طور مختصر، مفهوم اعمال یک جانبه تبیین شده است و در بخش دوم، جایگاه این دسته از اعمال در نظام‌های حقوقی اصلی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مفهوم اعمال یک جانبه

در یک تقسیم‌بندی متعارف و کلاسیک، اسباب ایجاد حق و تعهد در نظام‌های حقوقی به دو دسته کلی اعمال حقوقی و وقایع حقوقی تقسیم می‌شوند. وقایع حقوقی را شامل رویدادهایی همچون تولد مرگ و اتلاف مال غیر می‌دانند که اراده تابعان حقوق در ایجاد آثار حقوقی ناشی از آن‌ها نقشی ندارد اما نظم حقوقی، برخی آثار را به آن‌ها منضم می‌کند. به عکس، اعمال حقوقی را چنین تعریف کرده‌اند: «اعمال ارادی است که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص انجام می‌شود و قانون نیز اثر دلخواه را بر آن بار می‌کند. به بیان دیگر، عمل حقوقی بخشی از اعمال ارادی است که اثر آن‌ها با آنچه که فاعل می‌خواسته منطبق است.»^۱ بنابراین، عنصر اصلی ایجاد آثار حقوقی در مورد اعمال حقوقی، برخلاف وقایع حقوقی، اراده تابع حقوق است. اعمال یک جانبه یکی از مصادیق اعمال حقوقی به شمار می‌آید. هرگاه تابعان حقوق مشترکاً یک رابطه حقوقی ایجاد کنند، با یک رابطه قراردادی و چند جانبه روبه‌رو هستیم اما هرگاه تابع حقوق، منفرداً چنین کند، رابطه یک‌جانبه حقوقی ایجاد شده است.

قرار گرفتن اعمال یک جانبه ذیل دسته کلی‌تر اعمال حقوقی، باعث شده است تا برخی از حقوق‌دانان در تعریف این مفهوم، به تأکید بر اشتراکات اعمال یک جانبه با دیگر اعمال حقوقی اکتفا کنند. مثلاً پل هیلبورن^۲، حقوق‌دان آلمانی که به عنوان پدر دکترین عمل یک جانبه معرفی شده است^۳ در کتابش به سال ۱۸۹۶، اعمال یک جانبه را داخل در دسته اعمالی قرار می‌دهد که باعث ایجاد، اصلاح یا خاتمه برخی حقوق در نظام حقوقی می‌شوند.^۴ کارل فون گریس^۵، دیگر حقوق‌دان آلمانی نیز که هم‌عصر

۱. کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی: قرارداد ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۴، ص ۲۰.

۲. Paul Heilborn.

۳. Saganek, Przemyslaw, *Unilateral Acts of States in Public International Law*, Boston, Brill Nijhoff, ۲۰۱۵, p. ۳۰.

۴. Ibid.

۵. Karl von Gareis.

هیلبورن بود، روایت مشابهی از نقش عمل یک جانبه داشت.^۱ ناگفته پیداست چنین ویژگی و تعریفی از عمل یک جانبه بسیار موسع است و شامل قراردادها و رویه‌های تشکیل‌دهنده عرف نیز می‌شود. بنابراین، مشخصه‌ای که هیلبورن به کار می‌برد متناسب با دسته‌ای عام‌تر از اعمال یعنی اعمال حقوقی است و نمی‌تواند تعریفی مانع به شمار آید. البته نباید فراموش کرد که بخشی از این تعریف گسترده، متأثر از تعریف‌هایی است که از روابط یا اعمال یک‌جانبه و دوجانبه می‌شود. عموماً می‌توان دو معنا را از روابط یک جانبه و دوجانبه به دست داد. در معنای نخست، رابطه حقوقی یک جانبه، ناظر به رابطه‌ای است که تنها از سوی یک طرف ایجاد می‌شود و رابطه دو جانبه نیز به معنای رابطه‌ای است که از دو طرف تشکیل شده است. معنای دوم از روابط یک یا دو جانبه، نه به طرف‌های مشارکت‌کننده در پدیداری رابطه، بلکه به چگونگی توزیع تعهد ناشی از آن رابطه مربوط می‌باشد. بنابراین، رابطه یک جانبه، رابطه‌ای است که تعهد ناشی از آن، صرفاً متوجه یک طرف است اما رابطه دو یا چند جانبه، رابطه‌ای است که تعهد مربوطه بر همه طرف‌های موجود در آن رابطه تحمیل می‌شود.^۲ در نتیجه در این معنا، یک رابطه حقوقی در حالی که دارای دو طرف است اما می‌تواند یک جانبه باشد به این دلیل که نظم حق و تکلیف منبث از این رابطه به گونه‌ای نضج گرفته که تعهدات ناشی از آن فقط بر عهده یک طرف است. همان‌طور که در بخش بعدی مقاله خواهیم دید، معنای دوم، معنایی است که به ویژه در نظام حقوقی کامن‌لا کاربرد دارد. بنابراین، آن دسته از نویسندگانی که تعریف عمل یک جانبه را بدون تأکید بر کمیت طرف انشاکننده آن ارائه می‌دهند احتمالاً بر معنای دوم از روابط یک جانبه توجه داشته‌اند.

تعریف فوق، یگانه تعریفی نیست که از اعمال یا رابطه حقوقی یک جانبه وجود دارد. فرانس پفلوگا^۳، حقوق‌دانان آلمانی دیگر، که نخستین تک‌نگاری^۴ درباره عمل یک جانبه را در سال ۱۹۳۶ نوشته است،^۵ به نکته‌ای متمایزکننده در تعریف اعمال یک جانبه اشاره دارد. او معتقد بود که اعمال یک جانبه، تبلور «منفرد»^۶ اراده یک تابع حقوق به قصد ایجاد آثار حقوقی است.^۱ تعریف این حقوق‌دان آلمانی در مقایسه

۱. Ibid.

۲. Hogg, Martin, *Obligation: Law and Language*, Cambridge, Cambridge University Press, ۲۰۱۷, p. ۱۳۳.

۳. Franz Pfluger.

۴. Monograph.

۵. کتاب پفلوگا به زبان آلمانی و با عنوان *die einseitigen rechtsgeschäfte im volkerrecht* (اعمال یک جانبه در حقوق بین‌الملل) به چاپ رسیده است.

۶. Single.

با متقدمانش، یک گام رو به جلو بود. او با تأکید بر عنصر منفرد، باعث شد تا عمل حقوقی یک جانبه از عمل حقوقی چند جانبه به معنای خاص کلمه منفک شود. این نکته‌ای است که در ذات مفهومی عمل یک جانبه نهفته است. در حقیقت، واژه Unilateral به معنای «یک جانبه» از ترکیب دو واژه لاتین Unus به معنای «یک» و Latus به معنای «طرف» برگرفته شده است.^۱ این فقط یک یافته لغت‌شناختی نیست که عمل یک جانبه بر مبنای عملی شکل گرفته است که در آن فقط یک طرف حضور دارد، بلکه از حیث ماهوی نیز همین وضعیت برقرار است. به عبارت دیگر، رکن عمل در مورد عمل یک جانبه، بدون مشارکت طرفی انجام می‌شود که تعهد در قبال آن پدید می‌آید. بنابراین در کنار اتکای عمل یک جانبه به اراده تابع حقوق، دخالت تنها یک طرف در پدیداری را باید دومین عنصر سازنده اعمال یک جانبه دانست.

سومین عنصر سازنده اعمال یک جانبه نیز به آثار حقوقی این دسته از اعمال گره خورده است. در واقع به دلیل وجود قاعده نسبیّت در حقوق، جز در مواردی که قانون‌گذار اختیار دارد، هیچ تابع حقوقی نمی‌تواند خلاف رضایت تابع دیگر، تعهدی برای او ایجاد کند. پس بی‌دلیل نیست که برخی نویسندگان از عمل یکجانبه با عنوان «تعهد» یک طرفی یاد کرده‌اند.^۲ این سه عنصر، عناصر متمایز اعمال یکجانبه به شمار می‌آیند. در نتیجه هر جا که این تردید وجود داشته باشد که با عمل یکجانبه به معنای خاص روبه‌رو هستیم یا خیر، مراجعه به این سه عنصر می‌تواند راهگشا باشد.

۲- رویکرد نظام‌های حقوقی اصلی به عمل یک جانبه

همان‌طور که در مقدمه این مقاله آمد، جایگاه عمل یک جانبه به عنوان منبع حقوق محل اختلاف است. سهم قابل توجهی از انکار عمل یک جانبه به عنوان منبع حقوق، ناشی از حکومت مطلق الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف در نظام‌های حقوقی مختلف است. این الگوی قدیمی نمی‌پذیرفت که قصد یکطرفی، منشا آثار حقوقی باشد. بررسی جایگاه عمل یک جانبه در میان نظام‌های حقوقی اصلی می‌تواند به ترسیم دقیق‌تر این جایگاه کمک کند. اگرچه پذیرفته شده است که نظام‌های حقوقی متکثری در جهان وجود دارند اما عموماً از دو نظام حقوقی کامن‌لا و مدنی یا رومی - ژرمنی به عنوان نظام‌های حقوقی اصلی یاد

۱. Pfluger as cited in Saganek, op. cit, pp. ۴۶ ۴۷.

۲. Ibid, ۹۴ ۹۵.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹.

می‌شود.^۱ رنه داوید^۲ نیز اعتقاد داشت که سه گروه حقوقی^۳ غیر قابل اختلاف وجود دارد: رومی - ژرمنی (که در این مقاله نظام حقوقی مدنی نامیده می‌شود)، کامن لا و سوسیالیستی.^۴ او البته نوشته بود که به غیر از این سه گروه حقوقی، نظام‌های دیگری نیز وجود دارند که خارج از این سه گروه قرار می‌گیرند اما بر بخش قابل توجهی از جهان حکومت دارند.^۵ نظام حقوق اسلامی یکی از همین نظام‌ها است که از حیث «ظری» با آنچه که در غرب وجود دارد، متفاوت است و «تصویر صحیح از حقوق در جهان معاصر کامل نخواهد بود» اگر به این نظام حقوقی توجه نشود.^۶ به اعتقاد داوید، هیچ نظام حقوقی نیست که عناصری را از این گروه‌ها و نظام‌های حقوقی وام نگرفته باشد. بنابراین می‌توان گفت تقسیم‌بندی داوید از نظام‌های حقوقی اصلی جهان، تقسیم‌بندی قابل اتکایی است. البته این توضیح ضروری است که با توجه به حکومت نظام حقوقی سوسیالیستی بر اروپای شرقی در گذشته، این نظام حقوقی اکنون جنبه تاریخی پیدا کرده و در نتیجه، در این مقاله به آن پرداخته نشده است.

۱-۲- عمل یک جانبه در نظام حقوقی کامن لا

عناصر عوض^۷ در معاملات^۸ حقوقی موجود در نظام کامن لایی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و در نتیجه پذیرش رابطه‌ای حقوقی که در آن عوض وجود نداشته باشد، از جمله روابط یک جانبه، با دشواری‌هایی روبه‌رو است.^۹ به طور کلی، با وجود معانی متفاوتی که می‌توان برای عوض در نظر گرفت، باید آن را متضمن تقابل تعهدات طرف‌های موجود در یک رابطه حقوقی دانست.^{۱۰} طبیعی است در مورد عمل یک جانبه چنین عنصری وجود نداشته باشد. همان‌طور که در قسمت قبل مطرح شد، عمل یک جانبه تعهدی یک‌طرفه است و در نتیجه نمی‌توان عادتاً عنصر عوض را در آن سراغ گرفت. اما این بدان

۱. شیروی، عبدالحسین، حقوق تطبیقی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲.

۲. Rene David.

۳. Family Law.

۴. David, Rene & John Brierly, Major Legal System in the World Today, London, Stevens & Sons, ۱۹۸۵, p. ۲۲.

۵. Ibid.

۶. Ibid, pp. ۲۷ ۲۸.

۷. Consideration.

۸. Transaction.

۹. Calleros, Charles R., Cause, Consideration, Promissory Estoppel, and Promises under Deed: What Our Students Should Know about Enforcement of Promises in Historical and International Context, Chicago-Kent Journal of International and Comparative Law, Vol. ۱۳, Issue. ۲, ۲۰۱۳, p. ۱۰۶.

۱۰. Ibid, p. ۹۶.

معنا نیست که نهاد عمل یک جانبه در نظم حقوقی کامن لایی هیچ توسعه‌ای نداشته است. طیف متنوعی از رویکرد به عمل یک جانبه در کامن لا قابل ره‌گیری است. در ادامه، این رویکردهای متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱-۱- عمل یک جانبه به مثابه قرارداد یک جانبه^۱

همان‌گونه که در قسمت اول مقاله توضیح داده شد، عموماً دو معنای مختلف از روابط یک و دو جانبه مستفاد می‌شود. معنای اول که مبتنی بر تعداد طرف‌های یک رابطه است و معنای دوم نیز متوجه چگونگی توزیع تعهدات ناشی از چنین رابطه‌ای است. بخش اصلی رویکرد کامن لا به عمل یک جانبه بر مبنای همین معنای دوم شکل گرفته است. به همین دلیل قرارداد یک جانبه، نمود همین معنا به شمار می‌آید.^۲ قرارداد یک جانبه، قراردادی است که در آن، نظم عناصر ضروری برای حصول به توافق، یعنی ایجاب، قبول و عوض برهم خورده و عامل اول یا همان ایجاب برای لازم‌الاجرا کردن قرارداد کافی است.^۳ مشهورترین نمونه از رویه قضایی مربوط به این، قضیه قدیمی *Carlill v Carbolic Smoke Ball Company* است. این دعوا مربوط به آگهی تبلیغاتی شرکت خوانده بود که در آن اعلام شده بود، هر کس از داروی تولیدی این شرکت استفاده کند و سپس به آنفولانزا مبتلا شود مبلغ ۱۰۰ دلار دریافت می‌کند. اما خواهان پس از استفاده از این دارو، به آنفولانزا مبتلا شد و با مخالفت خوانده با پرداخت مبلغ مورد نظر، به دادگاه مراجعه کرد. نهایتاً «دادگاه تجدیدنظر، رأی دادگاه بدوی را مبنی بر این که ایجاب خوانده، فارغ از نبود تراضی اراده‌ها، لازم‌الاجرا است، تأیید کرد. این در حالی بود که خوانندگان اعتقاد داشتند، ایجاب، قبول و عوض عناصر لازم برای ایجاد یک تعهد است.»^۴ مفهوم قرارداد یک جانبه، ضمن برخورداری از وجوه تشابه با مفهوم قرارداد، واجد معنای دوم رابطه یک جانبه است؛ به این معنا که در آن، تعهد صرفاً متوجه یک طرف است و بنابراین می‌توان گفت در قرارداد یک جانبه، تنها پوسته الگوی قراردادی باقی مانده است اما به هر حال نمی‌توان آن را عمل یک جانبه به معنای خاص کلمه در نظر گرفت.

۱. Unilateral Contract.

۲. Hogg, op. cit, pp. ۱۲۵&۱۴۰.

۳. Enabulele, Amos, The Aura of Unilateral Statements in International Law: Nuclear Tests Cases Revisited, *Hande Law Review*, Vol. ۶, No. ۱, ۲۰۱۰, p. ۵۹.

۴. Ibid, p. ۶۰.

۲-۱-۲- عمل یک جانبه به مثابه استاپل

یکی دیگر از رویکردهای موجود در کامن لا به عمل یک جانبه، به بازتعریف این مفهوم در قالب استاپل برمی گردد. مفهوم استاپل متفاوت از مفهوم عمل یکجانبه است. استاپل متضمن آن است که «اگر کسی نشان دهد که موافق با رفتار خاصی است، نمی تواند بعداً مدعی انکار آن باشد.»^۱ این مفهوم در بسیاری از نظام های حقوقی جهان با نام های متفاوت یافت می شود. در حالی که این مفهوم در نظام حقوقی کامن لا با عنوان استاپل شناخته می شود در نظام های دارای حقوق مدنی با عناوین دیگری از جمله «منع اقدام متعارض»^۲ به رسمیت شناخته شده است.^۳ همه این مفاهیم با هر نام متفاوتی که به آنها اطلاق می شود، در صدد هستند تا جلوی رفتار متناقض و متعارض را بگیرند.^۴ استاپل فقط به حقوق داخلی مرتبط نیست بلکه در حقوق بین الملل نیز جایگاه مشخصی دارد. در حقوق بین الملل، استاپل دولت را متعهد به استمرار در مورد دیدگاهش نسبت به وضعیت حقوقی یا واقعه خاصی می کند.^۵ بنابراین چنانچه دولتی نسبت به رویداد یا موضوع خاصی دیدگاهی را اتخاذ کرده باشد، بعد از آن نمی تواند در اثر تغییر این دیدگاه در پی کسب منافع حقوقی جدیدی باشد. به هر تقدیر، استاپل مستلزم اعتماد و اطمینان نزد مخاطب نسبت به عمل یک جانبه است. این نوع رویکرد بار دیگر نشان می دهد که کامن لا در قیاس با نظام حقوقی مدنی هر چه بیشتر متأثر از الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف است چرا که مفهوم استاپل همانند مفهوم قرارداد یک جانبه به نقش آفرینی طرف دیگر رابطه حقوقی محتاج است. هر چند در مورد استاپل، این نقش آفرینی غیررسمی تر و کم رنگ تر است.

در این رویکرد به عمل یک جانبه، علاوه بر این که اطمینان و اعتماد مخاطب نقش مهمی ایفا می کند، همانند رویکرد نخست، با حذف عنصر عوض در این رابطه حقوقی مواجه هستیم. این دو ویژگی (وجود اطمینان و اعتماد نزد مخاطب و نبود عوض) آثار خاصی را متوجه رویکرد استاپلی به عمل یک جانبه

۱. Klabbers, Jan, *International Law*, New York, Cambridge University Press, ۲۰۱۳, p. ۱۵۴.

۲. Preclusion or debarment.

۳. Ovchar, Alexander, *Estoppel in the Jurisprudence of the ICJ: A principle Promoting Stability Threatens to Undermine It*, *Bond Law Review*, Vol. ۲۱, Issue ۱, ۲۰۰۹, pp. ۲-۵.

۴. Kulick, Andreas, *About the Order of Cart and Horse, among Other Things: Estoppel in the Jurisprudence of International Investment Arbitration Tribunals*, *EJIL*, Vol. ۲۷, No ۱, ۲۰۱۶, p. ۱۰۸.

۵. MacGibbon, I. C, *Estoppel in International Law*, *International & Comparative Law Quarterly*, Vol. ۷, Issue. ۳, ۱۹۵۸, p. ۴۶۸.

می‌کند. در حقوق بریتانیا، عمل یک جانبه با عنوان وعده^۱، به نهادی تبدیل شده است که در آن به جای آن که وعده‌دهنده را به انجام عملی ملزم کند، به عنوان پوششی برای دفاع از مخاطب در مقابل انشاکنده^۲ وعده مورد استفاده قرار می‌گیرد. این وضعیت به خوبی از رهگذر برخی رویه‌های قضایی موجود در نظام حقوقی بریتانیا قابل رهگیری است. در قضیه *Combe v. Combe* دادگاه با موضوع طلاق میان زوجین روبه‌رو بود و همچنین باید در مورد مسائلی همچون نفقه تصمیم‌گیری می‌کرد. در این پرونده و قبل از این که حکم نهایی طلاق اعلام شود، زوج به همسرش وعده داده بود که هر سال ۱۰۰ پوند به عنوان نفقه به او بپردازد. او در برابر این موضوع هیچ عوضی نخواست و در نتیجه، وعده‌ای در برابر همسرش پذیرفته بود. توجه نیز به اعتبار همین وعده از دادگاه تقاضای صدور حکم در خصوص نفقه را نکرد. دادگاه بدوی بر همین اساس، زوج را به پرداخت ۶۰۰ پوند محکوم کرد اما دادگاه تجدیدنظر ضمن رد این حکم اعلام کرد که وعده در قالب استاپل نمی‌تواند به عنوان «اسباب طرح دعوی^۳» به کار رود.^۴

قاضی لرد دنینگ^۴ که حکم پرونده فوق را صادر کرده بود پیشتر در پرونده *High Trees* رای کاملاً متفاوتی را انشا کرده بود. پرونده اخیر به یک قرارداد اجاره به مدت ۹۹ سال مربوط می‌شد. قرار بود هر ساله مبلغ ۲۵۰۰ پوند بابت اجاره به موجر پرداخت شود. در ایام جنگ جهانی دوم، مالک طبق سندی مکتوب و بدون دریافت عوضی پذیرفت که مبلغ اجاره را به دلیل شرایط جنگ به نیم کاهش دهد. پس از وقوع اختلاف، قاضی لرد دنینگ مالک را به آن چه که متعهد شده بود، محکوم کرد.^۵ قاضی دنینگ در خصوص این دو حکم مختلف اعلام کرد که «اصل اعمال شده در پرونده *High Trees* نباید آن چنان گسترش یابد که [وجود آن اصل] به خطر افتد. در جایی که هیچ یک از اسباب طرح دعوا وجود ندارد، این اصل نباید سبب جدیدی برای طرح دعوا ایجاد کند. این اصل فقط در جایی که اصرار شخص بر حقش ناعادلانه است، باید مانع شود تا وی بر چنین حقی پافشاری کند...»^۶

از مجموع رویه‌های قضایی فوق استنباط می‌شود که رویکرد استاپلی به عمل یک جانبه متضمن آن

۱. Promise.

۲. Cause of action.

۳. Calleros, op. cit.

۴. Lord Justice Denning.

۵. Ibid, p. ۱۰۴.

۶. Ibid, p. ۱۰۶.

است که وعده در حقوق بریتانیا زمانی می‌تواند واجد آثار حقوقی باشد که وعده دهنده بخواهد برخلاف وعده‌ای که داده است عمل کرده و طرح دعوایی علیه مخاطب داشته باشد. در مقابل در جایی که (همچون قضیه *Combe v. Combe*) مخاطب بخواهد با استناد به وعده دعوایی را علیه وعده‌دهنده طرح کند، مجدداً رویکرد استاپلی به کار افتاده و چون در چنین رویکردی، عمل یک جانبه به تنهایی نمی‌تواند اسباب طرح دعوا باشد در نتیجه رای به بی‌حقی مخاطب داده می‌شود. به همین دلیل است که گفته شده رویکرد استاپلی به عمل یک جانبه در قالب کامن لا باعث می‌شود تا این عمل در قالب چنین رویکردی به مثابه یک سپر عمل کند و نه شمشیر.^۱

۳-۱-۲- عمل یک جانبه به مثابه عمل یک جانبه خاص

رویکردهای موجود در نظام کامن لا به عمل یک جانبه، به قرارداد یک جانبه و یا رویکرد استاپلی محدود نمی‌شود بلکه در این نظام عمل یک جانبه به عنوان یک عمل یک جانبه خاص و مستقل مورد پذیرش قرار گرفته است. البته این رویکرد مقبولیت و گستردگی دو رویکرد قبلی را ندارد. این رویکرد به ویژه در نظام حقوق آمریکا به عنوان یکی از مهمترین نظام‌های حقوقی کامن لایی قابل مشاهده است. بخش ۹۰ شرح دوم قراردادهای آمریکا^۲ به موضوع وعده اختصاص دارد. در این بخش آمده است:

۱- وعده‌ای که وعده‌دهنده باید منطقی‌اً انتظار داشته باشد که باعث انجام اقدامات یا خودداری از کاری از سوی مخاطب یا شخص ثالثی شود... الزام‌آور است اگر تنها روش جلوگیری از بی‌عدالتی اجرای چنین وعده‌ای باشد.

۲- کمک‌های مالی خیرخواهانه و تقسیم مالکیت بر اموال مشترک میان زوجین^۳... بدون آن که وعده باعث انجام کار یا خودداری از کاری شود، الزام‌آور است.

ظاهر این ماده نشان می‌دهد که با قرائت استاپلی دیگری از وعده روبه‌رو هستیم چرا که ترغیب به «انجام اقدامات یا خودداری از کاری» از سوی مخاطب وعده یا اشخاص ثالث نوعاً مستلزم حدی از اعتماد و اطمینان نزد طرف‌های دیگر است. با وجود این، بند دوم، تحولی در رویکرد کامن لایی به وعده

۱. Ibid.

۲. Restatement of Contract. ۲. شرح حقوق قراردادهای یک متن مبسوط حقوقی در باب حقوق قراردادهای در نظام حقوقی آمریکاست که گرچه الزام‌آور نیست اما دانشجویان حقوق در این کشور، این شرح را به عنوان واحد اجباری تحصیلات دانشگاهی می‌گذرانند و حقوق دلمان این کشور توجه خاصی به این متن دارند. شرح نخست در سال ۱۹۳۲ از سوی موسسه حقوق آمریکا تهیه شد و سپس در سال ۱۹۷۹ مورد بازنگری قرار گرفت و نتیجه کار به شرح دوم حقوق قراردادهای مشهور است.

۳. Marriage settlement.

به شمار می‌آید. در این بند، وعده‌هایی ذکر شده است که بدون نیاز به ایجاد ترغیب نزد مخاطب یا اشخاص ثالث، الزام‌آور به شمار می‌آیند. اما در مورد بند نخست نیز، قضایایی در آمریکا وجود دارد که نشان می‌دهد برای الزام‌آور کردن وعده، دادگاه به دنبال اثبات عنصر اطمینان نزد مخاطب نبوده است. از جمله در قضیه *Devecmon v. Shaw* خواهان مدعی بود که عمویش به او وعده داده است که خرج سفر او را به اروپا پرداخت کند. دادگاه بدون اثبات آن که آیا چنین وعده‌ای باعث ایجاد اطمینان و اعتماد نزد برادرزاده شده است، حکم به محکومیت خواننده داد.^۱ در قضیه *Huhtala v. Travelers Ins* نیز خواننده به خواهان قول داده بود که اختلافات موجود میان دو طرف را به روشی منصفانه حل و فصل کند. خواهان نیز از طرح دعوا در موعد زمانی مقرر خودداری کرده بود. پس از آن که خواننده از حل و فصل منصفانه اختلافات ممانعت به عمل آورد، دادگاه وی را محکوم کرد که به وعده خود به خواننده عمل کند. نکته آن بود که طی رسیدگی، دادگاه هرگز خواننده را موظف نکرد که اثبات کند در پی اعتماد و اطمینان به وعده خواننده از طرح دعوا در موعد زمانی مقرر خودداری کرده است.^۲ قضایای دیگر نیز نشان‌دهنده رویکرد مشابهی در این خصوص هستند.^۳ بر مبنای همین قضایا باید گفت در نظام حقوق آمریکا علی‌رغم وجود رویه‌های قضایی مخالف^۴، حتی پوسته الگوی قراردادی که در سایر رویکردهای نظام کامن‌لا به عمل یک جانبه وجود دارد، کنار رفته است.^۵ پس درست است که گفته شود «مسئله دشوار و حیاتی درباره بخش ۹۰ در دادگاه‌ها، حمایت کردن یا نکردن از اعتماد مخاطب نبوده بلکه این بوده است که خود وعده را اجرا کنند یا خیر. برای اجرای این وعده‌ها از سوی دادگاه نه نیاز است و نه ضروری است که اثبات شود مخاطب، اعتماد [به وعده] داشته است.»^۶ مضاف بر این که نباید فراموش کرد از آن جا که بند دوم بخش ۹۰ شرح قراردادهای، وعده‌های کمک مالی خیرخواهانه را بدون ایجاد انگیزه اقدام یا خودداری از اقدام لازم‌الاجر شناخته است. در نتیجه باید گفت تمامی وعده‌هایی که دارای

۱. Thel, Steve & Yorio, Edward, *The Promissory Basis of Section ۹۰*, *Yale Law Journal*, Vol. ۱۰۱, ۱۹۹۱, p. ۱۵۵.

۲. *Ibid.*

۳. از جمله بنگرید به:

Ibid., pp. ۱۵۵ et seq.

۴. برای رویت این رویه‌های قضایی بنگرید به:

Hogg, *op. cit.*, pp. ۱۶۷ ۱۷۱.

۵. Franck, Thomas M, *Word Made Law: The Decision of the ICJ in the Nuclear Test Cases*, *AJIL*, Vol. ۶۰, No. ۳, ۱۹۷۵, pp. ۶۱۲ ۶۲۰.

۶. Hogg, *op. cit.*, p. ۱۶۲.

منطق خیرخواهانه هستند، به همین طریق الزام آور می‌باشند و از این جهت نمی‌توان محدودیتی در میان وعده‌های خیرخواهانه^۱ در نظر گرفت. با توجه به کثرت چنین وعده‌هایی، باید یقیناً گفت که شرح قراردادهای حجم گسترده‌ای از وعده‌ها را، به عنوان مصداقی از اعمال یک جانبه، بدون نیاز به عنصر دیگری لازم‌الاجرا اعلام کرده است.

این فقط در نظام حقوقی آمریکا نیست که عمل یک جانبه توفیق برخوردار از جایگاه مستقل را پیدا کرده است. در نظام حقوقی اسکاتلند، عمل یک جانبه چه در میان دکترین و چه در رویه قضایی مکرراً به عنوان یک نهاد حقوقی واجد ظرفیت ایجاد آثار حقوقی مورد شناسایی قرار دارد. یک نمونه آشکار در این زمینه به پرونده Ballast plc v. Laurieston Properties Ltd مربوط می‌شود که در آن صراحتاً اعلام شد که تعهدات یک جانبه‌ای که نشان‌دهنده قصد آشکار مباشر هستند، به طور قانونی الزام آور به شمار می‌آیند.^۲ قضایای دیگری نیز در نظام حقوقی اسکاتلند وجود دارد که از این یافته حمایت می‌کند.^۳ در نتیجه رابطه حقوقی یک جانبه خاص کاملاً در نظام حقوقی اسکاتلند پذیرفته شده است. همه این‌ها نشان می‌دهد که کامن‌لا با عمل یک جانبه غریبه نیست و پذیرای اثرگذاری حقوقی مستقل این دسته از اعمال است.

۲-۲- عمل یک جانبه در نظام حقوقی مدنی

همچون نظام حقوقی کامن‌لایی، حکومت انگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف در نظام‌های حقوقی مدنی، در ابتدا فضا را برای رشد عمل یک جانبه تنگ کرده بود. بر همین اساس، عموماً انگوی پدیداری روابط حقوقی در این نظام، همانند آنچه که در نظام حقوقی کامن‌لایی مشاهده شد، بر مبنای تراضی اراده‌ها بنا شده بود. در حقوق روم، تا دوره پسا ژوستینین نمی‌توان اثری از روابط حقوقی یک جانبه و دو جانبه دید چرا که اصولاً هر نوع رابطه حقوقی، دو جانبه پنداشته می‌شد.^۴ اما در دوره پسا ژوستینین، تحت تاثیر آموزه‌های علمای مسیحی، تعهد یک جانبه مسیحیان مورد تاکید قرار گرفت و شکستن چنین تعهداتی

۱. Gratuitous promise.

۲. Ibid, p. ۱۷۲.

۳. برای دیدن این قضایا بنگرید به:

Ibid, pp. ۱۷۲ ۱۷۳.

۴. Ibid, p. ۱۳۸.

گناه به شمار می‌آید.^۱ اما این تعهدات عموماً در سطح اخلاقیات باقی ماند و کمتر مجال ظهور در سطح حقوق را داشتند.^۲ در عالم حقوق، تا دوره ژوستینین تنها مفهومی که به صورت نسبی و نه چندان محسوس به روابط حقوقی یکجانبه نزدیک می‌شد، مفهوم *Stipulatio* بود. این مفهوم رابطه‌ای حقوقی را توضیح می‌داد که برخلاف روابط حقوقی دوجانبه، نیازی به عوض نداشت. در *Stipulatio* با درخواست شفاهی یک طرف، طرف دیگر رابطه می‌پذیرفت که اقدامی را در مقابل مخاطب انجام دهد. در واقع در اثر این سوال و جواب، یک طرف رابطه به انجام تعهدی یک جانبه مقید می‌شد.^۳ بنابراین، *Stipulatio* اساساً رابطه‌ای قراردادی بود و همچنان تابع الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف به شمار می‌آمد.^۴ اما چون تنها یک طرف این رابطه متعهد می‌شد، در نتیجه *Stipulatio* را باید مصداقی از معنای دوم یک جانبه‌گی که در مبحث قبلی بررسی شد، دانست. به همین دلیل، از آنجا که اعلام یک جانبه اراده در حقوق روم در دوره پیشازوستینین به عنوان منبع حق و تکلیف پذیرفتنی نبود، حتی اگر مدیون، شخصاً به وجود دینی اقرار می‌کرد، بی‌آنکه دائن او را تایید کند، ادعای او پذیرفته نمی‌شد.^۵

اما از دوره ژوستینین به بعد، رفته رفته، رابطه حقوقی یک جانبه به معنای خاص کلمه در حقوق روم قابل مشاهده است. در این دوران شکل یک جانبه تعهد با عنوان *pollicitatio* شناخته شده بود.^۶ *pollicitatio* به معنای وعده‌ای است که یک فرد یا مقام دولتی خطاب به عموم مردم اعلام می‌کرد و موظف به اجرای آن بود. بنابراین، این مفهوم نمی‌توانست واجد آثار حقوقی، میان صرفاً اشخاص خصوصی باشد.^۷ به هر روی، این مفهوم گشایشی در حقوق روم به شمار می‌آمد و نشان‌دهنده انحراف از الگوی مطلق توافقی ایجاد حق و تکلیف در این نظام حقوقی بود. بعدها بر مبنای همین مفهوم، عمل یک جانبه در بسیاری از نظام‌های حقوقی دارای حقوق مدون توسعه پیدا کرد.^۸

۱. Zimmermann, Reinhard, *The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition*, Oxford, Oxford University Press, ۱۹۹۶, p. ۵۶۸.

۲. Smith, T. B., *Pollicitatio. Promise and Offer*, *Acta Juridica*, Vol. ۱۴۱, ۱۹۵۸, p. ۱۴۳.

۳. Garner, Bryan A., *Black's Law Dictionary*, United States, Thomson West, ۲۰۰۴, p. ۱۴۵۵.

۴. Degan, Vladimir Djuro (۱۹۹۴), *Unilateral Act as Source of Particular International Law*, *Finnish Yearbook of International Law*, Vol. ۵, ۱۹۹۴, p. ۱۵۰.

۵. Degan, Vladimir Duro, (۱۹۹۷), *Sources of International Law*, Hague: Kluwer Law International, ۱۹۹۷, p. ۲۵۴.

۶. Hogg, Op. cit, p. ۱۳۸.

۷. Garnsey, Peter, *Taxatio and Pollicitatio in Roman Africa*, *The Journal of Roman Studies*, Vol. ۶۱, ۱۹۷۱, p. ۱۶۶.

۸. Degan, Op. cit (۱۹۹۴), p. ۱۵۶.

در ادامه همین تغییر و تحولات در نظام‌های حقوقی مدون، هوگو گروسیوس، حقوق‌دان مشهور هلندی برای نخستین بار از عمل یک جانبه در قالب «وعده» در کنار توافق‌های دو یا چند جانبه، به عنوان منبع تعهد سخن به میان آورد.^۱ گروسیوس فصل مجزایی از کتاب مشهور خود، «حقوق جنگ و صلح» را به موضوع وعده اختصاص داد و در این فصل عمده نظرانی که اعتقاد داشتند وعده چون شکل توافقی ایجاد تعهد را ندارد، فاقد اعتبار است رد کرد.^۲ او با استناد به تعالیم حقوق طبیعی اعتقاد داشت که این طبیعی‌ترین حق هر بشری است که بتواند به اراده خود، حقوق‌اش را محدود کند و به همین دلیل، وعده می‌تواند باعث التزام مباشر وعده شود و از این جهت منبع تعهد به شمار می‌آید.^۳ گروسیوس این وعده‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کرد: نخست، وعده‌ای که هر زمان می‌توان آن‌ها را تغییر داد. چنین وعده‌ای واجد جنبه الزام‌آوری نیست و در نتیجه منبع تعهد به شمار نمی‌آید. دوم، وعده‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را تغییر داد اما ذی‌نفع خاصی ندارد و در نتیجه کسی نمی‌تواند اعلام‌کننده آن را ملزم به انجام تعهد کند؛ به نظر گروسیوس این دسته هم نمی‌تواند منبع تعهد به شمار آید و سوم، وعده‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را تغییر داد و از سوی دیگر ذی‌نفع مشخص دارند و آن ذی‌نفع می‌تواند صادرکننده را به انجام تعهد ملزم کند.^۴ گروسیوس همان‌طور که رعایت توافق‌ها و قراردادهای را شرط حفظ نظم اجتماعی می‌دانست، اثر مشابهی برای وعده‌ها قائل بود و در نتیجه از این جهت، وعده‌ها و توافق‌ها را دارای اثری مشابه تلقی می‌کرد.^۵ اما مشخص است که او نیز نتوانسته بود به طور کامل از الگوی توافقی ایجاد حق و تعهد جدا شود چرا که وی تنها زمانی وعده را الزام‌آور می‌دانست که مخاطب مشخصی داشته باشد که بتواند مباشر وعده را به انجام تعهدش ملزم کند. طبیعتاً اقدام به الزام از سوی مخاطب، نیاز به آن دارد که او تعهد یک طرفی مباشر را پذیرفته باشد. با وجود این، نظام حقوق مدنی در عصر گروسیوس به اندازه‌های دگرگون شده بود که عمل یک جانبه به عنوان یک نهاد مستقل و بدون هیچ پیش‌شرطی بتواند آثار حقوقی ایجاد کند. به همین دلیل بود که برخلاف گروسیوس، برخی حقوق‌دانان هم‌عصر وی اعتقاد داشتند که عمل یک جانبه بدون آن که نیاز به قبولی دل‌نشته باشد، می‌تواند اثر حقوقی ایجاد کند. یوهانس ویت^۶، دیگر

۱. Riley, Patrick, *The Legal Philosophy of Hugo Grotius*, in: Pattaro, Enrico, *A Treatise of Legal Philosophy and General Jurisprudence*, Vol. ۹, Florence, Springer, ۲۰۰۹, p. ۳۷۰.

۲. Grotius, Hugo, *The Rights of War and Peace*, Indianapolis, Liberty Fund, ۲۰۰۵, pp. ۶۹۹-۷۰۲.

۳. Ibid, p. ۶۹۹.

۴. Degan, Op. cit (۱۹۹۷), p. ۲۵۴; Smith, Op. cit, p. ۱۴۴.

۵. Riley, Op. cit, p. ۱۴.

۶. Johannes Voet.

حقوق‌دان هلندی که سال‌ها پس از گروسیوس زندگی می‌کرد، بدون هیچ تردیدی، عمل یک جانبه را یک نهاد مستقل حقوقی می‌دانست. به همین دلیل وی معتقد بود اگر عمل یک جانبه در قالب وعده یا *pollicitatio* مورد قبول مخاطبان قرار بگیرد، از عمل یک جانبه به قالب قرارداد درمی‌آید و پس از آن به عنوان یک قرارداد واجد اثر است، اما این بدان معنا نیست که این اعمال یک جانبه بدون رضایت و قبولی مخاطبانش، قدرت اجرایی نداشته باشد بلکه عمل یک جانبه مستقلاً دارای اثر حقوقی است.^۱

به این ترتیب تقریباً در قرن‌های ۱۵ و ۱۶، مفهوم عمل یک جانبه حداقل در میان دکترین موجود در نظام حقوق مدنی، به یک نهاد مستقل حقوقی بدل شده بود. در نظام حقوقی آلمان، به عنوان یکی از نظام‌های حقوقی مدنی، مفهوم *Rechtsgeschäft* که به معنای عمل حقوقی است اجازه داد تا موضوع عمل یک جانبه تا اندازه زیادی گسترش یابد.^۲ عمل یک جانبه در نظام حقوقی ایتالیا نیز وضعیت مشابهی داشت. قانون مدنی این کشور اعتبار عمل یک جانبه را تحت قالب *promesse unilaterali* به رسمیت شناخته است.^۳ این وضعیت درباره دیگر کشورهای دارای نظام حقوقی مدنی قابل ره‌گیری است. به این ترتیب، پس از دوره ابتدایی حکومت مطلق الگوی توافقی بر نظام حقوقی مدنی، رفته رفته اعمال یک جانبه، جایگاه مستقل خود را در این نظم حقوقی پیدا کرد.

۳-۲- عمل یک جانبه در نظام حقوقی اسلامی

در نظام حقوقی اسلامی روش‌های ایجاد حق و تکلیف به گونه‌ای نضج گرفته است که در آن با شفافیت بیشتری می‌توان حضور روش یک جانبه پدیداری حق و تکلیف را مشاهده کرد هر چند در این باره نیز همچون سایر نظام‌های حقوقی تردیدهایی قابل مشاهده است. به گونه‌ای که برخی فقهای اسلامی به تعهداتی اشاره دارند که به روش یک جانبه ایجاد می‌شوند، اما بخش دیگر از فقها نظر مخالف ابراز کرده‌اند. فارغ از دستورات الهی که تعهداتی را متوجه ابنای بشر می‌کند، روش‌های دیگری برای ایجاد حق و تکلیف در نظام حقوقی اسلامی وجود دارد.

برخلاف عقود که نیازمند تراضی دو یا چند اراده برای ایجاد یک رابطه حقوقی است، سه مفهوم در فقه

۱. Smith, op. cit p. ۱۴۵.

۲. Degan, Op. cit (۱۹۹۴), p. ۱۵۲.

ILC Ybk, ۱۹۹۸, p. ۳۸, para. ۴۸.

۳. ILC Yearbook, ۱۹۹۸, Vol I, p. ۳۸, para. ۴۸

اسلامی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را روش‌های یک جانبه ایجاد تعهد یا حق برای ثالث دانست بدون آن که نیازمند ساختار مبتنی بر تراضی باشد. وعده، ایقاع و عهد سه مفهومی هستند که صرفاً براساس اراده یک جانبه تابع حقوق پدید می‌آیند.

۲-۳-۱- وعده

از منظر شریعت اسلامی، وعده تعهدی یکجانبه و ارادی از یک طرف برای انجام عملی در آینده در قبال طرف یا طرف‌های دیگر است. وعده در نظام حقوقی اسلامی واجد ویژگی‌هایی است که به خوبی نشان‌دهنده ماهیت یک جانبه آن است. اول این که، برخلاف عقود که محصول توافق مشترک طرف‌هاست، وعده یک تعهد یک‌جانبه ارادی از سوی وعده دهنده به سود مخاطب است. دوم، در شرایط عادی، وعده دهنده در مقابل وعده‌اش عوضی دریافت نمی‌کند. سوم، وعده نباید به سود وعده‌دهنده باشد. به عبارت دیگر، وعده واجد ابعاد تعهدآمیز است و نمی‌تواند حقی را بدون رضایت دیگران، برعهده آن‌ها بگذارد.^۱

درباره التزام به وعده‌ها در میان فقها، وحدت نظر دیده نمی‌شود. مثلاً به نقل از محقق قمی گفته شده است: «تظری که بین فقها مشهور است این است که شرط و تعهد باید بین ایجاب و قبول قرار گیرد یعنی در ضمن عقد باشد...»^۲ نظر تقریباً مشابه دیگری از علامه نائینی نقل شده است. به اعتقاد وی قصد یک طرف، منشأ تعهد می‌شود ولی هر تعهد یک طرفی، مجانی است و تعهد مجانی «به ملاک نصوصی که دلالت بر جواز عقود مجانی (مانند هبه و عاریه) دارند، جایز است.»^۳ با وجود این، التزام تعهد یک طرفه از سوی سایر فقهای برجسته شیعه مورد قبول قرار گرفته است. از جمله صاحب عروه‌الوثقی نظر داده که عقلاً هیچ مانعی نیست که شخص بتواند به طور یک طرفه مالی را به دیگری تملیک کند.^۴

در میان علمای اهل تسنن نیز سه دسته نظریه درباره جایگاه و اعتبار حقوقی وعده مطرح شده است: ۱- وعده دروغ ممنوع است و در نتیجه مومن اگر به وسیله وعده، قصد دروغ‌گویی داشته باشد، مرتکب گناه شده است اما به طور کلی وعده مباح است و انجام ندادن آن گناه به شمار نمی‌آید؛ ۲- وعده الزام‌آور است و شکستن آن گناه محسوب می‌شود و ۳- همه وعده‌ها الزام‌آور نیستند بلکه اگر وعده باعث انجام

۱. Abdullah, Md. Faruk & Ab Rahman, Asmak, The Theory of 'Promise' (Wa'd) in Islamic Law, Arab law quarterly, Vol. ۲۹, ۲۰-۱۵, p. ۱۷۱.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۱۲۰.

۳. همان.

۴. همان.

اقدامی از سوی مخاطب شود، وعده دهنده موظف است به وعده‌ای که داده عمل کند مثلاً اگر شخص الف به شخص ب بگوید اگر فلان خانه را بخری، هزینه آن را تامین می‌کنم، آن گاه در صورت خرید منزل، وی مکلف به اجرای وعده خود است.^۱ با وجود کثرت نظریه‌هایی که درباره جایگاه اعمال یک جانبه در نظام حقوقی اسلامی در میان فقهای اهل تشیع و تسنن دیده می‌شود اما نص صریح قرآن کریم در این باره شفاف و کمک‌کننده است. قرآن کریم در آیات دوم و سوم سوره صفا صراحتاً مومنان را از شکستن سوگندها و وعده‌هایشان حذر داده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید * منفورترین شما نزد خدا آن کسی است که چیزی می‌گوید اما عمل نمی‌کند.

این آیه از قرآن کریم، به خوبی نشان می‌دهد که از منظر شارع مقدس اسلام، وعده‌ها دلرای آن چنان اهمیتی هستند که عمل نکردن به آنها، باعث می‌شود تا وعده‌دهنده به منفورترین بندگان نزد خدا تبدیل شود. به همین دلیل است که گفته شده مهمترین و مستندترین نظریه در میان شریعت اسلامی در خصوص اعمال یک جانبه و وعده‌ها این است که این اعمال الزام‌آور هستند و جز در موردی که شرایط تخفیف یا رد تعهد (عذر) وجود نداشته باشد، نمی‌توان از اجرای وعده سرپیچی کرد.^۲

۲-۳-۲- ایقاع

ایقاع نیز یکی دیگر از روش‌های یک جانبه ایجاد مناسبات حقوقی در فقه و حقوق اسلامی به شمار می‌آید. همان‌گونه که در قسمت قبل مشخص شد وعده یک تعهد یک جانبه ارادی است. ایقاع نیز وضعیت مشابهی دارد؛ چرا که «ایقاع عمل حقوقی است که در اثر یک اراده حاصل می‌شود. در ایقاع یک شخص تصمیم می‌گیرد و توافق لازم نیست.»^۳

بنابراین می‌توان گفت که ایقاع انشای اثر حقوقی است که با یک اراده انجام می‌شود و اثری که در پی دارد، همان چیزی است که فاعل به تنهایی خواسته است و همین نیز امتیاز ایقاع بر عقد به شمار می‌آید.^۴ ماده ۲۸۹ قانون مدنی ایران که به موضوع ابراء مربوط می‌شود نوعی انشاء یک جانبه است که واجد آثار حقوقی است. بنابراین، قانون مدنی ایران که تا اندازه زیادی منبعث از فقه اسلامی است، عمل

۱. Abdullah & Ab Rahman, Op. cit, p. ۱۸۷.

۲. Ibid.

۳. مننی، سید جلال، مبانی و کلیات علم حقوق، تهران، پایدار، ۱۳۸۷، ص ۳۵۲.

۴. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۳۹.

یک جنبه را پذیرفته است. با وجود این، درباره حیطه آثار حقوقی منتسب به اراده یک جنبه اختلافاتی وجود دارد. از جمله گفته شده است که ممکن است به روشی یک جنبه، حقوقی تملک شود (از طریق حیازت مباحات) یا مالی از ملکیت خارج شود (از طریق اعراض) اما ایجاد تعهد برای خود به روشی یک جنبه محل تردید است چرا که اثبات تعهد یک جنبه اغلب با دشواری روبه‌رو است و ضمن این که مذاکرات میان دو یا چند طرف در جریان حصول به عقد باعث می‌شود تا دو طرف در خصوص منافع متضاد تفکر کرده و با دور اندیشی عقدی را منعقد کنند که ضرر کمتری دارد.^۱ همان‌گونه که مشخص است، این تردیدها درباره پذیرش اعتبار تعهد یک جنبه، جنبه کارکردی و تکنیکی دارند و به صورت مبنایی و اصولی نمی‌توانند چالشی درباره چنین تعهدی ایجاد کنند. ماده ۳۰ قانون مدنی ایران اعلام می‌کند که هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را دارد. بدون تردید، یکی از مصادیق حق تصرف مالک در ملک خود می‌تواند ایجاد تعهد یک جنبه به سود غیر باشد. این یکی از تبعات پذیرش آثار حقوقی «نفس خلاق» در حقوق است.^۲ به همین دلیل حتی آن دسته از نظریه‌پردازانی که نسبت به ایجاد تعهد یک‌جنبه اظهار تردید کرده‌اند، به خوبی بر این موضوع صحه گذاشته‌اند که «از لحاظ نظری، قابل توجیه است که مطابق اصل حاکمیت اراده، شخص بتواند بدون توافق با دیگری خود را ملزم سازد، زیرا اگر قدرت اجبار کننده عقد به خوبی تحلیل شود، معلوم خواهد شد که سبب واقعی آن، قدرت خلاقه اراده هر یک از دو طرف درباره خود اوست.»^۳ به عبارت دیگر، آنچه که باعث ایجاد تعهد برای متعهد می‌شود نه شکل تعهد بلکه خود اراده است. صاحب عروه الوثقی نیز به همین دلیل وصیت تملیکی را مورد پذیرش قرار داده است چرا که اراده یک جنبه می‌تواند اسباب پذیرش تعهد علیه وصیت کننده باشد.^۴ پس می‌توان با اطمینان گفت که «آزادی اراده» اقتضا می‌کند که شخص بتواند به صرف قصد خود برای خود ایجاد تعهد کند.^۵

۲-۳-۳-عهد

عهد در فقه اسلامی عبارت از تعهدی است که یک تابع حقوق نزد شارع مقدس یا خداوند می‌سپارد و براساس آن متعهد می‌شود که عملی را انجام دهد یا از انجام عملی خودداری کند. به همین دلیل، عهد

۱. همان، صص ۲۰، ۲۱.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۱۲۳.

۳. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۱.

۴. یزدی، سیدمحمدکاظم، العروه الوثقی، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ه. ق، ص ۵۸۳.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، پیشین، ص ۱۲۳.

شبهات‌های بسیاری به قسم و نذر دارد و برخی از فقهای بزرگ همچون صاحب جواهر، احکام قسم را بر آن جاری می‌دانند^۱ اما در مقابل گروهی دیگر آن را تحت احکام نذر مورد مطالعه قرار داده‌اند.^۲ در قسم نیز، مسلمان متعهد می‌شود کاری را انجام دهد یا از انجام آن خودداری کند. در قالب نذر نیز مومن متعهد می‌شود که در صورت وقوع یا عدم وقوع حادثه‌ای عملی را انجام دهد. به همین دلیل، برخی محققان نذر را به عنوان یک تعهد یک جانبه لحاظ کرده‌اند البته با این توضیح که در نذر، فقط مقصود، رضای خداوند است اما چنین خصلتی درباره دیگر تعهدات یک جانبه در فقه اسلامی وجود ندارد. عهد در بسیاری از آیات قرآنی به تصریح آمده است و به مومنان توصیه شده که به عهد خود وفادار باشند. مشهورترین آن‌ها، آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره توبه است.^۳ فقهای اسلامی مبتنی بر قرآن کریم و سنت پیغمبر بر لزوم عهد تاکید کرده‌اند و مخالفت با آن را حرام و موجب کفاره دانسته‌اند.^۴ بنابراین، عهد، روش یک جانبه ایجاد یک تعهد الزام‌آور در فقه اسلامی به شمار می‌آید.



۱. نجفی جواهری، شیخ محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۵، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ هـ. ق، ص ۴۴۵.
۲. جمفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۴۸۱.
۳. از جمله بنگرید به آیه ۱۸۳ سوره آل عمران، آیات ۲۷، ۱۲۵ و ۱۷۷ سوره بقره؛ آیه ۶۰ سوره یس و آیه ۸ سوره مومنون.
۴. نجفی جواهری، شیخ محمدحسن، پیشین، صص ۴۴۷-۴۴۸.

نتیجه‌گیری:

پیامدهای اجتماعی حقوق برای مدت‌های زیادی باعث شده بود تا الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف بر روش پدیداری مناسبات حقوقی سایه افکند. بر اساس این الگو، قصد یک جانبه یا یک طرفه صلاحیت لازم برای ایجاد آثار حقوقی را ندارد. انعکاس این معنای اجتماعی حقوق، در نظام‌های حقوقی اصلی قابل ره‌گیری است. با وجود این، برخی ضرورت‌های اجتماعی و بنیادهای مفهومی از جمله توجه به اصالت اراده باعث شد تا رفته رفته، عمل یک جانبه به عنوان یک منبع مستقل حقوق مورد توجه قرار گیرد. وضعیت مشابهی نیز در نظام‌های اصلی حقوقی دیده می‌شود. با وجود این، تفاوت‌هایی در این خصوص میان نظام‌های حقوقی وجود دارد. برای نمونه، نظام حقوقی کامن‌لایی، مقاومت بیشتری در مقابل پذیرش عمل یک جانبه داشته است. در این نظام حقوقی، سه نوع رویکرد به عمل یک جانبه دیده می‌شود که دو مورد از آنها متأثر از الگوی توافقی هستند اما رویکرد سوم، عمل یک جانبه به معنای خاص را مورد شناسایی قرار داده است. در نظام‌های حقوقی مدنی نیز اگرچه در ابتدا متأثر از الگوی توافقی ایجاد حق و تکلیف، مقاومت‌هایی در برابر تعریف عمل یک جانبه به عنوان منبع وجود داشت اما اینکه این موضوعی تثبیت شده است که عمل یک جانبه را باید به عنوان منبع مستقل حقوق مورد شناسایی قرار داد. این همان چیزی است که در نظام حقوقی اسلامی وجود دارد. این تطورات نشان می‌دهد که عمل یک‌جانبه نقیصه‌ای برای قرار گرفتن در ردیف منابع حقوق ندارد بلکه عوامل بیرونی، یعنی الگوهای حاکم بر ایجاد آثار حقوقی در نظام‌های حقوقی مانع از تلقی عمل یک جانبه به عنوان منبع حقوق شده بود و در نتیجه با تغییر این الگو، عمل یک جانبه بدون هیچ چالشی به مثابه منبع حقوق به رسمیت شناخته شده است.

منابع و مأخذ:

منابع فارسی و عربی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش.
۳. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۴)، حقوق تطبیقی، تهران، سمت.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، اعمال حقوقی: قرارداد- ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، فلسفه حقوق، جلد دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۶. کلسن، هانس (۱۳۹۴)، نظریه محض حقوق و دولت، ترجمه محمد حسین تمدن جهرمی، تهران، سمت.
۷. مدنی، سید جلال (۱۳۸۷)، مبانی و کلیات علم حقوق، تهران، پایدار.
۸. نجفی جواهری، شیخ محمد حسن (۱۴۳۰ ه. ق)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۳۵، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
۹. هارت، هربرت (۱۳۹۳)، مفهوم قانون، ترجمه محمد راسخ، تهران، نی.
۱۰. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۷ ه. ق)، العروه الوثقی، قم، موسسه نشر اسلامی.

English:

- ۱) Abdullah, Md. Faruk & Ab Rahman, Asmak, (۲۰۱۰), The Theory of 'Promise' (Wa'd) in Islamic Law, Arab law quarterly, Vol. ۲۹.
- ۲) Besson, Samantha, (۲۰۱۰), Theorising the Sources of International Law, in Besson, Samantha & John, Tasioulas The Philosophy of International Law, Oxford, Oxford University Press.
- ۳) Calleros, Charles R. (۲۰۱۳), Cause, Consideration, Promissory Estoppel, and Promises under Deed: What Our Students Should Know about Enforcement of Promises in Historical and International Context, Chicago-Kent Journal of International and Comparative Law, Vol. ۱۳, Issue. ۲.
- ۴) David, Rene & John Brierly, (۱۹۸۰), Major Legal System in the World Today, London, Stevens & Sons.
- ۵) Degan, Vladimir Djuro, (۱۹۹۴), Unilateral Act as Source of Particular International Law, Finnish Yearbook of International Law, Vol. ۵, ۱۹۹۴.
- ۶) Degan, Vladimir Duro, (۱۹۹۷), Sources of International Law, Hague: Kluwer Law International.
- ۷) Enabulele, Amos, (۲۰۱۰), The Aura of Unilateral Statements in International Law: Nuclear Tests Cases Revisited, Hande Law Review, Vol. ۶, No. ۱.
- ۸) Franck, Thomas M, (۱۹۷۰), Word Made Law: The Decision of the ICJ in the Nuclear Test Cases, AJIL, Vol. ۶۰, No. ۳.
- ۹) Garner, Bryan A. (۲۰۰۴), Black's Law Dictionary, United States, Thomson West.
- ۱۰) Garnsey, Peter, (۱۹۷۱), Taxatio and Pollicitatio in Roman Africa, The Journal of Roman Studies, Vol. ۶۱.
- ۱۱) Grotius, Hugo, (۲۰۰۰), The Rights of War and Peace, Indianapolis, Liberty Fund.
- ۱۲) Hogg, Martin, (۲۰۱۷), Obligation: Law and Language, Cambridge, Cambridge University Press.
- ۱۳) Klabbers, Jan, (۲۰۱۳), International Law, New York, Cambridge University Press.
- ۱۴) Kulick, Andreas, (۲۰۱۶), About the Order of Cart and Horse, among Other Things: Estoppel in the Jurisprudence of International Investment Arbitration Tribunals, EJIL, Vol. ۲۷, No ۱.



۱۵) MacGibbon, I. C, (۱۹۵۸), Estoppel in International Law, International & Comparative Law Quarterly, Vol. ۷, Issue. ۳.

۱۶) Ovchar, Alexander, (۲۰۰۹), Estoppel in the Jurisprudence of the ICJ: A principle Promoting Stability Threatens to Undermine It, Bond Law Review, Vol. ۲۱. Issue ۱.

۱۷) Riley, Patrick, (۲۰۰۹), The Legal Philosophy of Hugo Grotius, in: Pattaro, Enrico, A Treatise of Legal Philosophy and General Jurisprudence, Vol. ۹, Florence, Springer.

۱۸) Saganek, Przemyslaw, (۲۰۱۵), Unilateral Acts of States in Public International Law, Boston, Brill Nijhoff.

۱۹) Smith, T. B. (۱۹۵۸), Pollicitatio - Promise and Offer, Acta Juridica, Vol. ۱۴۱.

۲۰) Thel, Steve & Yorio, Edward, (۱۹۹۱), The Promissory Basis of Section ۹۰, Yale Law Journal, Vol. ۱۰۱.

۲۱) Zimmermann, Reinhard, (۱۹۹۶), The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition, Oxford, Oxford University Press.



Comparative study of commitment to unilateral exercise in major legal systems

Siyamak Karimi^۱

Abstract

Legal references provide the reader with the identification of legally binding rules. If the general principles of the law are eliminated in international law of treaties and domestic law, the remaining parts will be introduced as dispute cases. Unilateral exercise is one of the examples of dispute cases. This kind of action had no legal effect due to existing agreement patterns ruling the rights and obligations. Hence, there was not any unilateral intention to incur the obligation. However, developments in the major legal systems indicate that the legal effects of such unilateral exercises have been recognized despite their considerable differences. Accordingly, these exercises can be called legal references in various legal systems all around the world.

Keywords: Legal Binding Rules, International Law, legal systems, Legal resources



^۱ Ph.D. In Public International Law, University Instructor